

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی

چکیده

ابراهیم رضایپور

امنیت در زمره‌ی اهداف و ارزش‌های اصولی و پایدار هر جامعه محسوب می‌شود: زیرا امنیت، بنیادی و اساسی‌ترین نیاز جامعه و مهمترین عامل برای دوام و بقای زندگی اجتماعی به شمار می‌رود. امنیت اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین الزامات اساسی در راستای حفظ حیات و تعادل گروه‌های اجتماعی، بهداشت محیط پیرامون نیروهای اجتماعی، سلامت افراد و شهروندان جامعه در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی که در نهایت منجر به باز شدن فضای اجتماعی و تعاملات انسانی و نیز معنادار ساختن و حضور فعال در زندگی اجتماعی افراد جامعه می‌شود از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یک الگو و سازمان اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌ها، ناهنجاری‌ها و اعتماد عمومی بوده تا در بستری از روابط متقابل اجتماعی به تسهیل همکاری و هماهنگی در میان اعضای جامعه، زمینه‌ساز نوعی مشارکت، انسجام و پیوستگی اجتماعی می‌باشد. بر این اساس سرمایه اجتماعی که خود حاصل روابط متقابل اجتماعی در بستری اجتماعی است، به جهت‌دهی و معناداری رفتار افراد در جامعه پرداخته و با زمینه‌سازی رفتاری هنجارمند می‌تواند ضامن انسجام و بقای امنیت اجتماعی باشد.

کلید واژه‌ها: امنیت، امنیت اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پیوستگی اجتماعی

چشم انداز

بشر از دیرباز تا کنون در خصوص تامین امنیت خود با فراز و فرودهای فراوانی مواجه بوده و هنوز هم امنیت از جمله‌ی دغدغه‌های اساسی او می‌باشد. امنیت به عنوان بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه و مهمترین عامل برای دوام زندگی اجتماعی از گذشته‌های دور، مورد توجه صاحب نظران و اندیشمندان بوده است.

تکاپو برای رسیدن به امنیت از مهمترین انگیزه‌های انسان در درازای زندگی در کره‌ی خاکی بوده است. این تلاش با جوهر هستی انسان پیوندی ناگسستنی دارد. اصولاً انسانها برای تامین نیازهای زیستی خود وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند. بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه خواه کوچک و بزرگ و کهنه یا تازه، امنیت است. انسان برای بقای خود امنیت می‌خواست و این پدیده در هر زمان دستخوش تجاوز گردنکشان می‌شد و هر کس که امکانی می‌یافت به پشتوانه نیروی خود، آن را از دیگران می‌گرفت. امنیت نخستین نیاز اجتماعی بود و هرج و مرج این ضرورت نخستین را مخدوش می‌کرد. در حقیقت ماندگاری جوامع در گرو امنیت است و در نبود آن، هرج و مرج و آناارشی واقعیت صحنه خواهند بود. بنابراین تداوم زندگی اجتماعی در اساس نیازمند وجود امنیت است و این همان موضوعی است که در درازای تاریخ، مستبدان به بهانه‌ی تامین آن بر اریکه‌ی قدرت نشسته اند.

نظریه پردازان بسیاری از خواجه نظام الملک تا بیهقی و غزالی و نیز از هابزتابدان و ماکیاولی در دفاع از امنیت و ضرورت آن در جوامع، حتی به دفاع نظری از خود کامگان پرداخته اند. آنان در بیم از بی نظمی و ناامنی که شالوده‌های اجتماعی را مخدوش می‌کرد و در پاسخ به این نیاز بشری و اثبات نظم اجتماعی، گفتمانهای نظری را مطرح کرده‌اند. امنیت در اندیشه‌ی اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال در حدیث: الامن و العافیة، نعمتان مغبون فیها کثیرا من الناس: امنیت و تندرستی دو نعمتی است که بسیاری از مردمان در آن مغبونند(۱). بنابراین شادایی انسان بی‌تندرستی و دوام زندگی اجتماعی بدون امنیت امکان پذیر نیست.

انسانها با دریافت این حقیقت که به خودی خود نمی‌توانند برقرار کننده‌ی امنیت خویش باشند و برای حل این مشکل نیاز به سازمان‌های بزرگتری دارند، گامهای ابتدایی را در جهت ایجاد دولت برداشتند. از اهداف اصلی و اولیه‌ی همه دولت‌ها دو مساله مهم

بوده است: نخست، تضمین امنیت شهروندان و دوم، اصل سیاست داخلی است. در این مقال فرض ما این است که، سرمایه اجتماعی باعث انسجام و ماندگاری امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد و براین نکته تاکید می‌گردد که سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند در ماندگاری و پایداری امنیت اجتماعی مؤثر ثمر باشد.

مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی (Social Capital):

امروزه مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در زمره‌ی مفاهیم و مقولات پایه در مطالعات میان رشته‌ای به شمار می‌رود (۲). اگرچه سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به دو مولفه اصلی آن یعنی سرمایه. اجتماعی به نوعی نشان از سلطه‌ی روش و نگرش اقتصادی بر علوم اجتماعی داشته ولی اکنون مفهوم سرمایه اجتماعی به حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تسری پیدا کرده و به صورت روز افزونی در حال طرح شدن می‌باشد (۳).

بدون تردید تعریف دقیق و جامع از سرمایه‌ی اجتماعی دشوار است؛ علت آن است که سرمایه اجتماعی مقوله‌ای نامرئی و نسبتاً غیرقابل اندازه‌گیری و نسبی می‌باشد. با این وجود تعاریف مختلف و متنوعی توسط اندیشمندان گوناگون بیان شده است. از نظر روش شناسی برای مطالعه و بررسی سرمایه اجتماعی رویکردها و نگرش‌های مختلفی وجود دارد، با این حال تاکید ما بر بررسی سرمایه‌ی اجتماعی از منظر علوم اجتماعی می‌باشد. اگر از این منظر به سرمایه‌ی اجتماعی نگاه کنیم در می‌یابیم که هر گونه سرمایه‌ای اصولاً اجتماعی بوده و در جوامع و متنهای اجتماعی مختلف با توجه به تاثیر گذاری فرهنگ، سنت و هنجارها بر انتخاب‌های افراد جلوه‌های مختلفی از وجوه سرمایه‌ی اجتماعی بروز پیدا می‌کنند (۴). به طور کلی باید گفت که از سال ۱۹۸۰ به بعد مفهوم سرمایه اجتماعی وارد ادبیات علوم اجتماعی گردید. مفهوم سرمایه اجتماعی ابتدا به وسیله‌ی جاکوبز، بوردیو، پسرول و لوری مطرح شد، سپس توسط کلمن، بارت، پرتز و پوتنام بسط و گسترش داده شده است (۵). وجه مشترک نظریات آنها که مورد تاکید این نوشتار هم می‌باشد، این است که سرمایه اجتماعی به عنوان یک سیمان و عنصر چسبنده، اعضای جامعه را به یکدیگر پیوند و اتصال داده و لذا از آن به عنوان یک ضرورت اساسی در جهت تحقق نظم اجتماعی و امنیت اجتماعی جوامع یاد می‌شود.

از منظر گاه دیگر، معمولاً ابتکار اصطلاح سرمایه اجتماعی و تبیین مفهومی آن را به رابرت پوتنام نسبت داده می‌شود. از نظر پوتنام، سرمایه اجتماعی جنبه‌های از سازمان اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد است که با تسهیل همکاری و هماهنگی در میان اعضای جامعه آنها را قادر می‌سازد تا اهداف مشترکشان را به صورت کارآمد دنبال نماید. وی همچنین سرمایه‌ی اجتماعی را مترادف با مفهیمی چون انسجام اجتماعی، پیوستگی اجتماعی و حتی برادری به کار می‌برد. به هر حال سرمایه اجتماعی دلالت بر مجموعه‌ی روابط، شبکه‌ها، تعاملات، انجمن‌ها و موسساتی دارد که بواسطه‌ی هنجارها و ارزش‌های مشترک شکل گرفته و موجب گرمی اجتماع انسانی شده و کنش متقابل اجتماعی را تسهیل می‌نماید. البته باید بیان نمود که جوهره‌ی انباشت سرمایه اجتماعی اعتماد متقابل و هنجارهای دو سویه میان افراد جامعه می‌باشد. نکته دیگر اینکه جان مایه‌ی سرمایه اجتماعی اعتماد می‌باشد؛ اعتماد بخشی از سرمایه اجتماعی و شاید مهمترین و اساسی ترین بخش آن هست. اعتماد عمومی آمادگی بالقوه‌ی شهروندان برای همکاری با یکدیگر و نیز آمادگی آنها را برای وارد شدن در کوششهای مدنی نشان می‌دهد (۶).

ویژگی‌ها و کار ویژه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

۱- سرمایه‌ی اجتماعی به آسانی مشاهده و مورد سنجش قرار نمی‌گیرد.

۲- سرمایه‌ی اجتماعی حاصل شکل‌گیری و استقرار ارزش‌ها، هنجارها، سنت‌ها و قواعد می‌باشد.

۳- سرمایه‌ی اجتماعی فرایندی خود جوش بوده و معمولاً در بستری از روابط متقابل اجتماعی صورت می‌گیرد.

- ۴- سرمایه‌ی اجتماعی زمینه‌ی همکاری، اعتماد و مشارکت فعال افراد در زندگی اجتماعی را فراهم می‌آورد.
 - ۵- سرمایه‌ی اجتماعی با تامین نوعی امنیت معنوی، فرد را از ناهنجاری‌های دور می‌دارد.
 - ۶- در کشورهای توسعه نیافته، سرمایه اجتماعی حلقه‌ی مفقود توسعه و رشد اقتصادی می‌باشد.
 - ۷- سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند سبب رشد عدالت و کاهش فقر باشد.
 - ۸- سرمایه‌ی اجتماعی هم به عنوان برون داد و هم درون داد به شمار می‌رود.
 - ۹- سرمایه‌ی اجتماعی موجبات داشتن حکومت خوب و کارآمد را فراهم می‌آورد.
 - ۱۰- اعتماد اجتماعی مهمترین شاخص سرمایه‌ی اجتماعی می‌باشد.
 - ۱۱- سرمایه‌ی اجتماعی بازدهی سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی را افزایش می‌دهد.
 - ۱۲- سرمایه‌ی اجتماعی بر اثر استفاده رو به تحلیل نمی‌رود بلکه برعکس، عدم استفاده از آن موجب تحلیل و نابودی آن می‌شود.
 - ۱۳- سرمایه‌ی اجتماعی از طریق مداخله‌های بیرونی ساخته نمی‌شود.
 - ۱۴- نهادهای ملی و منطقه‌ای تاثیر شدیدی بر میزان و نوع سرمایه‌ی اجتماعی می‌دارند.
 - ۱۵- سرمایه‌ی اجتماعی باعث تعدیل و کاهش تنش و تعارض‌های احتمالی میان کارگزاران می‌شود.
 - ۱۶- سرمایه‌ی اجتماعی فساد اداری را تعدیل می‌کند.
 - ۱۷- سرمایه‌ی اجتماعی نظارت درونی در بخش عمومی را تقویت می‌کند.
 - ۱۸- سرمایه‌ی اجتماعی نقش قابل توجهی در بهبود عملکرد دولت‌ها ایفا می‌کند.
 - ۱۹- سرمایه‌ی اجتماعی عامل بنیادی در توسعه‌ی اقتصادی محسوب می‌شود.
 - ۲۰- سرمایه‌ی اجتماعی ملاط اصلی انسجام و وحدت اجتماعی بوده و بدون آن نمی‌توان اعضای جامعه را با هم و در کنار هم نگه داشت.
- بنابراین با توجه به موارد ذکر شده در می‌یابیم که سرمایه اجتماعی به عنوان یک الگو، ساختار و چابوب اساسی در عرصه اجتماعی از جایگاه والا و مهمی برخوردار می‌باشد. سرمایه‌ی اجتماعی اگر درست مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند زمینه‌ها و بسترهای اساسی حفظ همبستگی، انسجام، همکاری، تامین نظم و امنیت اجتماعی را فراهم آورد.
- دولت و سرمایه‌ی اجتماعی
- سرمایه‌ی اجتماعی نقش قابل ملاحظه‌ای در بهبود عملکرد دولت دارد. اما سرمایه‌ی اجتماعی در عین تاثیر بر عملکرد دولت خود نیز به نحوی اساسی از عملکرد آن متاثر می‌شود.

به عبارت دیگر، هر اقدام دولت، سرمایه‌ی اجتماعی را به صورت مثبت و یا منفی تحت تاثیر قرار می‌دهد. از آنجایی که سرمایه‌ی اجتماعی عامل بنیادی در توسعه اقتصادی محسوب شده بنابراین، وجود دولت حامی و سازگار با سرمایه‌ی اجتماعی برای شکوفایی، پیشرفت و آبادانی جامعه بسیار مهم و حیاتی خواهد بود. رابطه‌ی بین دولت و سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



نمودار ۱- رابطه بین دولت و سرمایه اجتماعی

به طور کلی دولت از دو طریق اساسی یعنی بسترسازی مناسب و اعتماد سازی برای انباشت، می‌تواند به تولید سرمایه‌ی اجتماعی کمک نماید. بسترسازی به این معناست که دولت باید زمینه و بستر لازم را برای تحرک و تشویق افراد جامعه به همکاری و اقدام-های جمعی فراهم آورد. در واقع دولت باید از طریق بهسازی اجتماعی، بهسازی فردی و بهسازی نهادی به ظرفیت سازی اجتماعی اقدام نماید. اعتماد سازی برای تولید سرمایه‌ی اجتماعی هم به این معناست که دولت باید محیط اجتماعی قابل اعتمادی را در جامعه فراهم نموده تا ضمن کسب اعتماد افراد جامعه زمینه‌های مشارکت آنها در اداره دولت، تسهیل جریان اطلاعات، تمرکز زدایی از قدرت، پاسخگویی به افکار عمومی و ... نقشی بسیار اساسی دارد(۷).

روند تولید سرمایه‌ی اجتماعی توسط دولت می‌تواند در جهت معکوس هم اتفاق بیفتد؛ به عبارت دیگر اگر دولت خیرخواه عموم مردم نباشد و کار ویژه‌های خود را به درستی انجام ندهد، مطمئناً سرمایه اجتماعی تخریب خواهد شد. به عنوان مثال تورم، فقر، بیکاری، فساد اداری، عدم اعتماد عمومی، اعتیاد، ضعف امنیت اجتماعی و مواردی از این قبیل می‌تواند زمینه‌های تخریب اجتماعی را فراهم آورد. از این رو، رفتار دولت به عنوان کنشگر عمده اجتماعی و نیز عرضه کننده ساختارها در جامعه باید کاملاً حساب شده و هوشمندانه باشد(۸).

نتایج حاصل از ارتباط بین دولت و سرمایه‌ی اجتماعی

سرمایه اجتماعی سنگ بنای دولت کارآمد بوده و در سایه تقویت آن، جامعه می‌تواند از دستاوردهای آن بهره‌مند گردد.

دولت باید محیط اعتمادپذیری، همکاری و همیاری اعضای جامعه و زمینه‌ی وارد شدن شهروندان جامعه در شبکه‌های اجتماعی را فراهم آورد.

در صورتی که دولت بستر لازم را فراهم آورد، سرمایه‌ی اجتماعی نارسایی‌هایی چون ناکارآمدی، عدم فعالیت نهادها و سازمان‌ها، فساد عمومی و دولتی، کاهش تعارض و تنش‌های احتمالی بن دولت مردان و مردم و مواردی از این قبیل را کاهش می‌دهد.

در صورت حمایت دولت، سرمایه‌ی اجتماعی نظم و نظارت درونی، امنیت اجتماعی و نیز عرضه‌ی مدیریت عمومی بهتر را تقویت می‌کنند.

تاملی در امنیت اجتماعی (Social Security)

بدون تردید امنیت در زمره‌ی اهداف و ارزش‌های اصولی و پایدار هر جامعه محسوب می‌شود؛ زیرا امنیت بنیادی و اساسی ترین نیاز هر جامعه و مهمترین عامل برای دوام و بقای زندگی اجتماعی به شمار می‌رود. برای تبیین و تحلیل امنیت، نظریه

پردازان علوم سیاسی و اجتماعی از رویکردها و نگرش‌های متفاوتی بهره گرفته‌اند. براساس این تئوری‌ها، امنیت در حوزه‌های اصلی و بنیادی امنیت ملی مورد شرح و تفسیر قرار گرفته و با مفاهیمی چون قدرت، حاکمیت، مشروعیت، منافع و تهدیدات داخلی و خارجی در هم آمیخته است. در این راستا، مفهوم امنیت اجتماعی هم مستثنی نبوده و بستر شکل‌گیری و طرح آن در جامعه در حوزه ادبیات و در راستای امنیت ملی سامان یافته است. از این رو، با طیف متنوعی از دیدگاه‌ها و نظریات درباره امنیت اجتماعی مواجه هستیم. در این خصوص به عنوان مثال می‌توان به طرح امنیت اجتماعی که توسط بوزان و ویور مطرح گردیده اشاره نمود. آنان موضوع امنیت اجتماعی را هویت و پاسداری از هویت را هدف امنیت اجتماعی دانسته‌اند (۹).

اصولاً بین مفهوم امنیت اجتماعی و دیگر وجوه امنیت از قبیل امنیت عمومی، امنیت ملی، امنیت کشور و مانند آنها تفاوت وجود دارد. امنیت اجتماعی یک مفهوم عام است به این معنی که هر فرد در جامعه خود باید بتواند یک ذهنیت آرام نسبت به برخورداری از امکاناتی از قبیل تامین شغل، امکان تحصیل، مسکن و رفت و آمد در شهر داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت که پاسخ به نیازها پایه امنیت اجتماعی است. بسیاری بر این باورند که امنیت پیش از آنکه تعریف کردنی باشد درک کردنی است؛ بنابراین امنیت اجتماعی آرامش‌خاطری است که در تعامل فرد با دیگر هم‌نوعان در اجتماع حاصل می‌شود.

همچنین باشد گفت که از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است، بسیاری از استعدادها توانایی‌های او در بطن جامعه و در ارتباط با دیگران شکوفا می‌شود و درین میان تاثیر رابطه دو سویه بین فرد و جامعه هم بر فرد و هم بر جامعه کاملاً مشهود است. بنابراین زندگی در جامعه‌ی انسانی و تعاملات موجود بین افراد باید به گونه‌ای باشد که نه تنها آسایش خود بلکه آسایش و آرامش دیگران نیز مورد توجه قرار گیرد. البته وجود نظام سیاسی در هر جامعه نیز برای رسیدن افراد آن جامعه به امنیت اجتماعی و احساس خوشایند آسودگی نقش پررنگی دارد. در مقوله امنیت اجتماعی همه افراد به ویژه همه نهادها هم باید با توجه به جایگاه خود نقش ایفا نمایند.

در جامعه امروزی به دو شکل می‌توان امنیت اجتماعی را استحکام بخشید: ۱- باید فرهنگ اجتماعی و عمومی و خود کنترلی به اندازه‌ای قوی باشد که ثمره آن آرامش و ثبات باشد. ۲- متولیان در هر جامعه نیاز داریم که حافظ امنیت اجتماعی باشند؛ چرا که امنیت پس از حاصل شدن نیاز به حفاظت دارند (قوه قضاییه و نیروی انتظامی). به هر حال امنیت اجتماعی باعث گسترش فضای اجتماعی می‌شود؛ چرا که با از بین رفتن موانع، فضاهای جدیدی به روی اجتماعات گشوده شده و زمینه‌های جدیدی برای فعالیت گروه‌های اجتماعی مهیا می‌گردد. به طور کلی باید گفت که امنیت اجتماعی به لحاظ مفهومی به معنی تامین امنیت مادی و معنوی فرد است که می‌تواند صرفاً بر پایه رویکرد اخلاقی تقدم منافع فرد بر جمع و یا بر پایه رویکرد اخلاقی تقدم منافع جمع بر فرد مورد داوری قرار گیرد. آنچه که در این بین مهم است نقش و کار ویژه‌های امنیت اجتماعی است که باعث انسجام، همبستگی، ایجاد و تامین نظم اجتماعی و ... می‌گردد. تحقق امنیت اجتماعی باعث گشایش درهای سازگاری، افزایش مرادوات، همبستگی‌ها و ارتباط متقابل بین گروه‌ها و اقشار اجتماعی گوناگون شده و در مجموع فضای اجتماعی بازتری را ایجاد می‌کند (۱۰).

شاخص‌ها و کار ویژه‌های امنیت اجتماعی

۱- امنیت اجتماعی عامل دوام و باقی‌زندگی اجتماعی می‌باشد.

۲- امنیت اجتماعی عامل حفظ حیات و تعادل گروه‌های اجتماعی جامعه می‌باشد.

۳- امنیت اجتماعی عامل سلامت افراد و شهروندان جامعه در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی می‌باشد.

۴- امنیت اجتماعی عامل باز شدن و گسترش فضای اجتماعی جامعه و تعاملات انسانی می‌باشد.

۵- امنیت اجتماعی عامل معنادار ساختن زندگی فرد در جامعه و حضور فعال افراد در زندگی اجتماعی می‌باشد.

۶- امنیت اجتماعی عامل حفظ و پاسداری از هویت افراد جامعه می‌باشد.

۷- امنیت اجتماعی زیر بنا و اساس امنیت داخلی و نیز امنیت روانی افراد جامعه می‌باشد.

۸- امنیت اجتماعی زمینه ساز آرامش خاطر و تعامل افراد جامعه با دیگر هموعان در اجتماع می‌باشد.

۹- امنیت اجتماعی عامل تامین امنیت مادی و معنوی فرد و جامعه می‌باشد.

۱۰- امنیت اجتماعی عامل انسجام، همبستگی نظم اجتماعی و اعتماد متقابل گروه‌های اجتماعی جامعه می‌باشد.

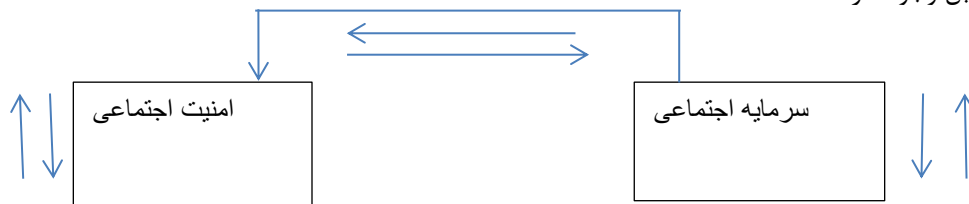
سرمایه اجتماعی ضامن انسجام و بقای امنیت اجتماعی

بررسی تاریخچه شکل‌گیری مفهوم و کاربرد اصطلاح سرمایه اجتماعی وجود رابطه متقابل مفهومی و نیز عملی میان سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی را به خوبی نشان می‌دهد. به عبارت بهتر تصور وضعیت نوعی نظم و امنیت اجتماعی در قالب روابط اجتماعی متقابل بین افراد جامعه به مثابه نوعی سرمایه برای اجتماع بوده که در شکل‌گیری مفهوم مورد نظر ما که سرمایه اجتماعی ضامن پایداری و بقای امنیت اجتماعی است می‌تواند مفید واقع گردد. از منظر علوم اجتماعی امنیت اجتماعی به مثابه امری مطلوب در تعیین حدود مفهومی امورات دیگر بوده و لذا سرمایه اجتماعی به صورت یکی از عوامل تولید امنیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

بدون تردید از لحاظ مفهومی میان سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی نوعی رابطه متقابل مفهومی و معنایی قابل تشخیص است. از لحاظ روش‌شناسی نیز، علیرغم وجود رویکردها و نگرشها گوناگون در این مقال تاکید بر بررسی سرمایه اجتماعی از منظر علوم اجتماعی است؛ یعنی هرگونه سرمایه‌ای اصولاً از بنیانی برخوردار بوده بنابراین سرمایه اجتماعی به عنوان یک سیمان و عنصر چسبنده، اعضای جامعه را به یکدیگر پیوند داده و لذا اهمیت و نقش اساسی آن در تحقق نظم و امنیت اجتماعی اجتناب‌پذیر می‌باشد. در این تحقیق همان‌طور که بیان شد فرض اصلی ما این است که: سرمایه اجتماعی ضامن انسجام و بقای امنیت اجتماعی می‌باشد. برای رسیدن به نتیجه مورد نظر، سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مستقل و امنیت اجتماعی به عنوان یک متغیر وابسته در نظر گرفته شده است (۱۱).

در جامعه اجتماعی امروز انحرافات اجتماعی، ناهنجاری‌ها، ناامنی اجتماعی، جرم و جنایت، بی‌نظمی، طلاق و فروپاشی خانواده‌ها، اعتیاد به مواد مخدر، تعارضات و دعاوی، خودکشی، فرار از پرداخت مالیات، رشوه و فساد اداری و اجتماعی، اختلاس و مواردی از این قبیل نشان‌دهنده این است که میزان مناسبی از سرمایه اجتماعی در جامعه وجود ندارد؛ به عبارت بهتر جامعه فاقد سرمایه اجتماعی است. این بدان معناست که اگر سرمایه اجتماعی در جامعه کاهش یابد، میزان امنیت اجتماعی نیز کاهش پیدا می‌کند. بنابراین، نوعی رابطه مستقیم بین سرمایه اجتماعی و امنیت وجود دارد. نمودار زیر این رابطه را به وضوح نشان می‌دهد.

نوعی رابطه متقابل وجود دارد.



شاخص‌ها:

شاخص‌ها:

عامل دوام و بقای زندگی	استقرار ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌ها اجتماعی
عامل حفظ حیات و	همکاری، اعتماد و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی تعادل گروه‌های اجتماعی
عامل سلامت افراد و	معنادهی سنت‌ها و ارزش‌ها شهروندان در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی
عامل باز شدن و گسترش	رفع ناهنجاری‌ها و ناامنی اجتماعی فضای اجتماعی جامعه
عامل حفظ و پاسداری از	عمل متقابل افراد و هنجارمند سازی هویت افراد جامعه
زمینه ساز آرامش ، تعامل	عامل انسجام، بقای امنیت اجتماعی و کارآمدی حکومت و تامین افراد جامعه

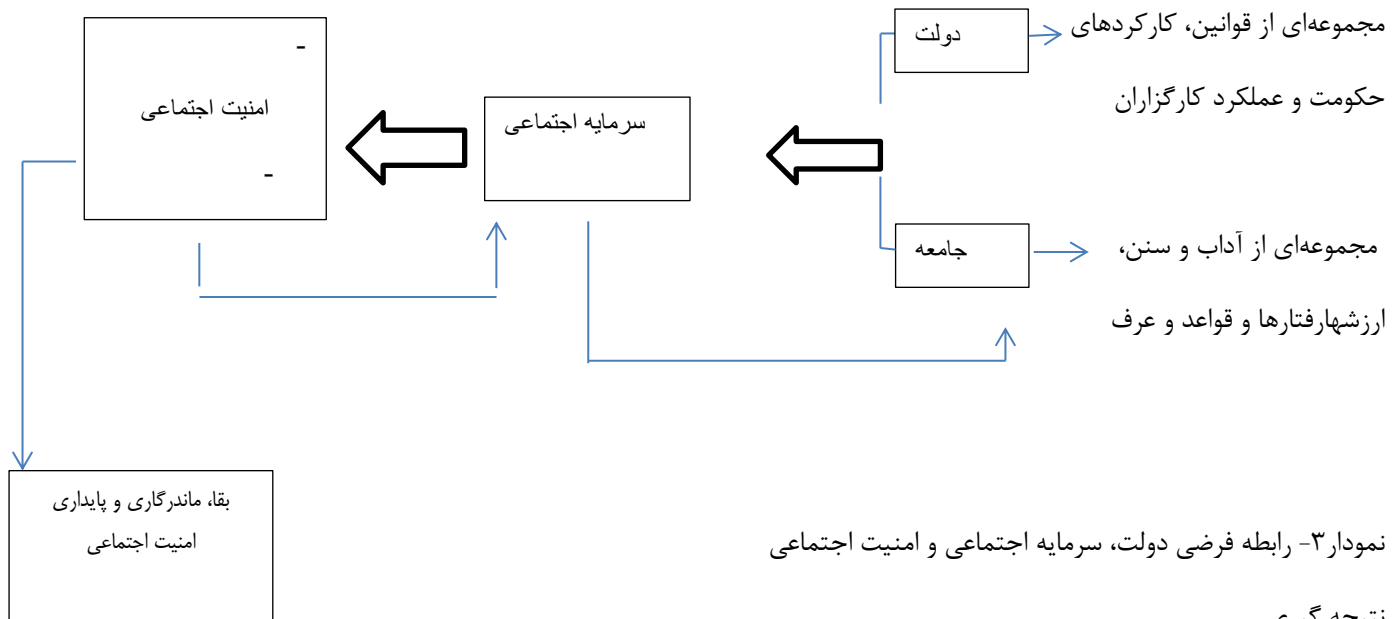
نمودار ۲- رابطه سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی

این نمودار نشان می‌دهد که اگر ما نگاهی مجدد به ویژگی‌ها و کار ویژه‌های سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی بیندازیم، علیرغم وجود نوعی رابطه متقابل و دو سویه و همچنین شباهتی بسیار فراوان بین شاخصه‌های آنها متوجه خواهیم شد که دامنه و گستره حوزه فعالیت سرمایه اجتماعی بسیار وسیع تر از امنیت اجتماعی می‌باشد. در واقع سرمایه اجتماعی در مقامی است که به عنوان یک چتر حمایتی امنیت اجتماعی را پوشش می‌دهد.

بدون شک حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی از طرف دولت- به عنوان اصلی‌ترین حامی- و شهروندان جامعه، موجبات تامین و بقای امنیت اجتماعی را باعث می‌شود؛ زیرا سرمایه اجتماعی به مثابه مجموعه‌ای از قواعد، هنجارها و موقعیت‌های مختلف اجتماعی هرچند که خود از مجرای رفتار متقابل افراد در طول زمان شکل گرفته و تکوین می‌یابد، لکن در جایگاه یک نهاد مستقر اجتماعی به صورت یک علت به بروز رفتارهای خاص در حوزه جامعه می‌انجامد. سرمایه اجتماعی به عنوان یک علت، بروز رفتارهای هنجارمندی را سبب شده و از این رو حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی به جهت دامن زدن به رفتارهای هنجارمند به صورت علی موجب تامین و برقراری امنیت اجتماعی یعنی کاهش ناهنجاری‌ها، جرم، جنایت، آسیب‌ها، و انحرافات اجتماعی، اعتیاد، خودکشی و مانند اینها می‌شود (۱۲). بدین ترتیب سرمایه اجتماعی به تبع جلوگیری از وقوع جرم، جنایت و ناهنجاری، موجب زمینه سازی مشارکت مثبت و فعال فرد در زندگی اجتماعی می‌شود. نقش سرمایه اجتماعی در تامین امنیت اجتماعی، اساسا از مجرای تاثیر گذاری ارزش‌ها، هنجارها، عرف و سنت‌های اجتماعی در جامعه پذیری افراد اعمال می‌شود. چنانکه پیر بوردیو، جامعه پذیری را ملازم همیشگی سرمایه اجتماعی و باز تولید آن در اجتماع در نظر می‌گیرد و آن را زنجیره پیوسته‌ای از مبادلات توصیف می‌کند. ارزشها و هنجارها علاوه بر کنترل و نظارت بر افراد جامعه، عنصری اساسی در ایجاد اعتماد در بین افراد اجتماع می‌باشند. در واقع سرمایه اجتماعی به صورتی همزمان در سطح فردی موجب مشارکت فعال و معنادهی زندگی اجتماعی فرد بوده و در سطح جمعی

نیز به قاعده‌مندی و نظم و امنیت اجتماعی می‌انجامد. پس امنیت اجتماعی فردی و جمعی معلول سرمایه اجتماعی می‌باشد و افول سرمایه اجتماعی هم بر گسترش میزان ناامنی اجتماعی تاثیر می‌گذارد (۱۳).

به طور کلی باید گفت که بین سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی یک رابطه علت و معلولی برقرار بوده و در واقع شرط لازم برای تحقق، حفظ و تقویت امنیت اجتماعی پایدار در جامعه امروزی، سرمایه اجتماعی می‌باشد. سرمایه اجتماعی به عنوان یک مکانیسم و فرایند اخلاقی و عمل‌گرا می‌تواند با بسترسازی مناسب، زمینه رشد و بقای امنیت اجتماعی را در بین افراد جامعه مهیا نماید. سرمایه اجتماعی با کاهش و از بین بردن ناهنجاریها و ناامنی‌های اجتماعی، بقا و ماندگاری امنیت اجتماعی را به ارمغان می‌آورد.



با توجه به مطالب بیان شده، اگر بخواهیم به یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری برسیم باید گفت که در دنیای پیچیده و پر رمز و راز امروزی، مفاهیم از بنیان و اساس ثابت و پایداری برخوردار نیستند. سرمایه اجتماعی به عنوان یک مفهوم نسبتاً جدید که مسیر تکاملش را طی می‌کند از جایگاهی مهم و اساسی برخوردار می‌باشد. با توجه به مفهوم سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی و کارکردهای آنها، مشخص گردید که چگونه این دو مفهوم در تعیین حدود یکدیگر نقش داشته‌اند. سرمایه اجتماعی به عنوان یک الگو و مکانیسم اخلاقی-اجتماعی مانند شبکه‌های اجتماعی، ارزشها، هنجارها و اعتماد عمومی بوده تا در بستری از روابط متقابل اجتماعی به تسهیل همکاری و هماهنگی در میان اعضای جامعه، زمینه ساز نوعی مشارکت، انسجام و پیوستگی اجتماعی می‌باشد. بنابراین مشخص گردید که سرمایه اجتماعی به واسطه مکانیسم کنترل اجتماعی و جامعه‌پذیری هنجارها، ارزشها و سنن از طریق فراهم آوردن زمینه مشارکت فعال و پیوند اعضای جامعه با هم موجبات انسجام، تامین امنیت و بقای آن را فراهم می‌آورد. بدون تردید تاثیر کنترلی، بازدارندگی و انسجام‌پذیری سرمایه اجتماعی موجب جلوگیری از مظاهر ناامنی اجتماعی می‌گردد. بنابراین نقش و اهمیت سرمایه اجتماعی به عنوان شرط لازم برای تامین، انسجام و بقای امنیت اجتماعی بسیار مهم و اجتناب‌پذیر می‌باشد.

- ۱- نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم(ص)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر جاویدان، تهران، ۱۳۶۰، ص ۲۱۴.
- ۲- غفاری، غلامرضا، مدخلی بر سرمایه اجتماعی، مجله سیاست داخلی وزارت کشور، سال اول، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵، ص ۷۵.
- ۳- تقی لو، فرامرز، روابط سرمایه اجتماعی با امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۵، ص ۲۴۲. همچنین جهت مطالعه بیشتر می توان رجوع کرد به:
- ۱- Fine , Ban , social capital Versus theory; Political Economy and social scieneeat the of the millenname , Routledge, ۲۰۰۰ PP۰ ۲۵-۳۹.
- ۲- Garye , Becker and Kevinm . marphy , social Economice ; Market beharion in a social Environment , Harvard university press , ۲۰۰۰, p۲۲.
- ۴- تقی لو، پیشین، ص ۲۴۳
- ۵- غفاری، پیشین، ص ۷۸، همچنین می توان رجوع کرد به:
- ۳- Woodcock , Michael(۱۹۹۸) social capital and Economic development , jornal. Theory and society.
- ۶- خضری، محمد، دولت و سرمایه اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۵، ص ۳۳ و ۳۴ همچنین می توان رجوع کرد به:
- فوکویاما، فرانسیس، پایان نظم؛ سرمایه اجتماعی و حفظ آن، ترجمه غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران ۱۳۷۹.
- خضری، محمد، نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد اقتصاد کلان، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، بولتن ۱۳۸۴.
- ۷- خضری، پیشین، ص ۴۲ و ۴۳
- ۸- همان، ص ۴۴-۴۹
- ۹- نوید نیا، منیژه، تاملی نظری در امنیت اجتماعی- با تاکید بر گونه‌های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۵، ص ۷۰-۵۳.
- ۱۰- تقی لو، پیشین، ص ۲۴۷-۲۴۰.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- همان، ص ۲۴۷-۲۵۵.

۱۳- بوردیو، پیر، شکل‌های سرمایه در سرمایه اجتماعی: اعتماد دموکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاج بخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، شیرازه، تهران ۱۳۸۴، ص ۱۵۱. همچنین می توان رجوع کرد به:

Oscarw . Gabriel, political efficiency and Trust , edition the Lmpact of Values, by sanw,
vanelinor scorbrough , Oxford , ۱۹۹۵.